

نقش هنرهای شهری در بهبود کیفیت محیط‌زیست شهری

فرهنگ مظفر* مهدی حسینی** رضا خدادادی***

چکیده

در چند دهه اخیر هنرهای شهری و مداخلات هنری با تنوع شکل، بیان و مفهوم گسترده، در بسیاری از جوامع شهری مورد توجه قرار گرفته است. مطالعات و تجربیات موجود نشان می‌دهد جدا از نیازهای اساسی و اولیه انسان‌ها، به منظور ارتقاء و بهبود کیفیت محیط‌زیست شهری، تأمین و تحقق نیازهای روحی، روانی و عاطفی مردم نیز امری انکارناپذیر و بدیهی است. با توجه به اهمیت موضوع و نقش تأثیرگذار هنرهای شهری در شادی و رضایت‌مندی مردم و تأثیر آن در سلامت و بهداشت روان و رفاه ذهنی جامعه، این مقاله با هدف تبیین نقش هنرهای شهری در بهبود کیفیت زندگی شهری به روش توصیفی-تحلیلی نگارش شده و در پی پاسخ به این پرسش است که بهبود کیفیت زندگی شهری با هنر و مداخلات هنری چه رابطه‌ای دارد و هنرهای شهری چگونه می‌توانند در بهبود کیفیت زندگی مؤثر باشند؟ بدین سبب ضمن اشاره به تعاریف موجود از «شهر»، «محیط‌زیست شهری» و شاخص‌های بهبود کیفیت زندگی، به اهداف و گونه‌های هنرهای شهری و به نقش این هنرها در بهبود کیفیت زندگی پرداخته شده است. روش پژوهش در مقاله حاضر کیفی و نوع پژوهش بر اساس هدف، بنیادی است و داده‌ها به صورت اسنادی گردآوری شده‌اند. در پایان مقاله استدلال شده که هنرهای شهری با طیف گسترده می‌توانند در سیاست‌های فرهنگی تأثیرگذار باشند و از طریق هویت‌سازی، زیباسازی، تلطیف فضاهای شهری، نشاط و سرزندگی و ... نقش مؤثری در بهبود کیفیت زندگی شهری داشته باشند.

کلید واژه‌ها: هنرهای شهری، کیفیت زندگی، محیط‌زیست شهری، زیباسازی، هویت فرهنگی

* دانشیار، دانشکده معماری، دانشگاه علم و صنعت، تهران.

** استاد، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر، تهران.

*** استادیار، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر، تهران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

مطالعات تاریخی بیانگر آن است که «هنر» پدیده‌ای جدانشدنی از جریان زندگی و تکامل شهری است. هر چند کاربرد هنرهای شهری در اعصار مختلف که عمدتاً مبتنی بر «زیباسازی منظر» بوده با یکدیگر متفاوت است (حبیب، ۱۳۸۹)؛ اما تا اوایل نیمه اول سده بیستم و از حدود سال ۱۹۶۰ و پیدایش مفهوم جدید از «هنرهای شهری» که نقش و تأثیر این هنرها در حوزه‌های متعدد محیط‌زیست شهری آشکار گردید (Szostak, 2010: 8)، آثار هنری عنصر و پدیده‌ای منفک و مستقل از فضاهای شهری بودند. در حالی که امروزه استفاده از هنر و مداخلات هنری در عرصه‌های عمومی شهر به شکلی گسترده در درون برنامه‌های توسعه در بازسازی جوامع و بهبود کیفیت زندگی، تبدیل به یکی از محورهای اصلی مباحث فرایند دگرگونی محیط‌زیست شده است. هنرهای شهری که شامل طیف گسترده‌ای از رسانه‌هاست، از ملاحظات زیبایی‌شناسی تا کنش‌های اجتماعی و مشارکتی، همراه با برخی از مطالعات نوظهور، همراه با جنبه‌های نظری و هنری، (Radisic 2010: 107) نه تنها قادرند «منظر دیداری شهر» را بهبود بخشند بلکه پدیده‌ای مؤثر در ارتباطات اند و توانایی نفوذ در افکار عمومی و ارائه ایده‌آل‌های معنوی، فرهنگی و اجتماعی را دارند (Henry, 2000: 1). به دیگر عبارت راهبردهای هنرهای شهری، اشتراک گذاشتن تجارب، احیای حافظه جمعی و مشارکت طیف وسیعی از مردم و هنرمندان در تحولات مدنی مانند جشن‌ها، جشنواره‌ها و برنامه‌های هنری در راستای توسعه فرهنگی و بهبود و بالابردن کیفیت زندگی و نشاط شهروندان از راه کنش‌ها و فعالیت‌های هنری در فضاهای شهری است (Urban Art Strategy 2002: 4,5). بدین لحاظ بسیاری از جوامع پیشرفته معاصر با درک اهمیت مسئله، با کاربست تمهیدات لازم، هنرهای شهری را در جهت ارتقاء و بهبود کیفیت زندگی به خدمت می‌گیرند.

از آنجا که هنرهای شهری معاصر پارادایم جدیدی در ارتباطات هستند و نقش مهمی در غلبه به برخی از بحران‌های فرهنگی دارند و موجب دگرگونی محیط شهری شده و به طور مستقیم محیط شهری را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ لذا مطالعاتی از این دست، زمینه‌شناسایی نقش و تأثیر هنرها در بهبود کیفیت زندگی شهری را فراهم می‌سازند و بدین ترتیب انگیزه مدیران شهری، هنرمندان و متخصصین مباحث شهری را در ایجاد فضاهای جدید با استفاده از تولیدات هنری بالا می‌برند. کاربست هنرهای شهری در عرصه‌های عمومی و ارتباط مستقیم و دسترسی آسان مردم به فضاها و جشنواره‌های هنری، دستاوردهای قابل تأملی در پی دارد که مهم‌ترین

آنها لذت مردم، رفاه ذهنی اجتماعی و تعالی فرهنگ و ارتقا جنبه‌های اخلاقی، آموزشی و فرهنگی جامعه و بهبود کیفیت زندگی انسان است. فضای عمومی و جذابیت‌های آن می‌تواند رفتارهای انسانی را تغییر دهد و برای کمک به ایجاد یک فرهنگ انسانی نقش مهمی را ایفا کند.

از این روی هدف اصلی این تحقیق عبارت است از تبیین نقش هنرهای شهری در بهبود کیفیت زندگی شهری و اهداف فرعی عبارت‌اند از:

- شناسایی و معرفی گونه‌های هنرهای شهری
 - طرح مباحث نظری در حوزه هنرهای شهری
 - ارائه راهکارهایی برای بهره‌مندی از گونه‌های هنری در عرصه‌های عمومی و فضاهای شهری
 - آشنایی هنرمندان و مدیران شهری با هنرهای شهری برای ایجاد سایت‌های هنری در فضای شهری
 - ارائه نتایج تحقیق به پژوهشگران حوزه هنرهای شهری و مهم‌ترین سؤالاتی که در این پژوهش مطرح هستند
- عبارت‌اند از: بهبود کیفیت زندگی شهری با هنر و مداخلات هنری چه رابطه‌ای می‌تواند داشته باشد؟ و هنرهای شهری در بهبود کیفیت زندگی چه نقش و تأثیری دارند؟

پیشینه تحقیق

از پژوهش‌های معتبر در ارتباط با مفاهیم شهرسازی و کیفیت شهری می‌توان به کتاب «تئوری شکل خوب شهر» کوپن لینچ (Lynch, 1981) شهرساز برجسته آمریکایی اشاره کرد که در آن بر روی دو معیار کلی کارایی و عدالت تأکید می‌کند و پنج خصوصیت شهر خوب را برمی‌شمارد. از پژوهش‌های داخلی، می‌توان به پژوهش «مدل ارزیابی کیفیت محیط‌زیست شهری» (سید حسین بحرینی و همکاران، ۱۳۷۷) اشاره کرد که در آن به معیارهای ارزیابی کیفیت محیط‌زیست شهری و تجارب چند کشور پرداخته شده است و بر اساس تجارب چند دهه اخیر و با روش‌های تحلیلی، مدل جدید ارزیابی کیفیت محیط‌زیست پیشنهاد شده است. در پژوهشی دیگر با عنوان «توسعه فرهنگی و محیط‌زیست» (ژرژ تومه، ۱۳۷۵)؛ در فصل نخست به مطالبی چون پیرایش ایستارهای فرهنگی، دسترسی جهانی به فرهنگ، کارگزاران و دموکراسی فرهنگی در خدمت محیط‌زیست، وسایل موجود در اختیار فرهنگ، آموزش هنری و فرهنگی، تخصص و فرهنگ، تشویق هنرمندان، آموزش هنرمندان، خلاقیت و تکنولوژی نوین، تقویت هویت فرهنگی و... اشاره شده است. این پژوهش ترجمه محمود شارع پور است. مقاله «نقش المان‌های شهری پایدار در توسعه‌ی گردشگری شهری» (یزدان بهنام و همکاران، ۱۳۹۲)، به توسعه

عمومی، بر ظرفیت‌های بالقوه هنر عمومی به عنوان یک عامل قدرتمند و تأثیرگذار تأکید کرده است. کتاب «بنیان‌های طراحی در زیباسازی شهری» تألیف دکتر سید رضا مرتضایی و مهدی اصل فلاح (۱۳۹۲) نگاهی بین‌رشته‌ای در قلمروی زیباسازی شهری دارد و از محدود پژوهش‌هایی است که در حوزه هنرهای شهری به رشته‌ی تحریر درآمده است. در این کتاب پس از آنکه به مفاهیم شهر و شناخت‌شناسی پدیده شهر و فضاهای عمومی شهر می‌پردازد در جای جای آن به گونه‌های مختلف و اهمیت هنرهای شهری و تأثیرات آن در زیبایی شهر اشاره می‌شود. نیوشا ودادی مقدم (۱۳۹۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «هنرهای همگانی و نقش آن در سرزندگی فضاهای شهری» که به راهنمایی مرتضی میر غلامی تهیه شده، یکی از اهداف اصلی طراحی شهری را ارتقای کیفیت فضا می‌داند. وی پدیده کیفیت را مقوله‌ای نسبی و چندوجهی دانسته و ابعاد مرتبط با آن را مؤلفه‌های انسانی، کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و... در نظر می‌گیرد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد «تدوین راهنمای طراحی شهری مبتنی بر نقش هنرهای تجسمی در ارتقای کیفیت ادراکی مردم از فضاهای شهری» نگارش مهین غزائیان (۱۳۹۲) و راهنمایی محمدرضا پور جعفر، به بررسی ویژگی‌های عناصر هنرهای تجسمی می‌پردازد و بر تأثیراتی که فرارگیری آثار هنری در سطح فضاهای شهری بر ذهن مخاطب و نحوه ادراک وی از فضا می‌گذارند تأکید می‌کند.

روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله کیفی و نوع پژوهش بر اساس هدف، بنیادی است. نوع پژوهش بر مبنای نحوه کنترل غیرآزمایشی^۸ توصیفی و بر مبنای داده‌ها و تحلیل آن به صورت کیفی^۹ است. نوع پژوهش بر مبنای مکان گردآوری داده‌ها، تحقیق غیر میدانی^{۱۰} کتابخانه‌ای^{۱۱} و نوع پژوهش بر حسب نحوه گردآوری اطلاعات، توصیفی است. روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها، کتابخانه‌ای و آرشیوی و با استفاده از ابزارهای گردآوری منابع کتابخانه‌ای و آرشیوی شامل کتاب، مقاله، اسناد، مطالعات پژوهشی است.

مرور نظری؛ مفاهیم و دیدگاه‌ها

شهر

شهر، فضایی ساخته شده توسط انسان‌ها با سه مؤلفه اصلی اجزای کالبدی، اجزای غیر کالبدی و حضور و تعاملات انسانی است (پاکزاد، ۱۳۸۵)، و شاخص‌های شناسایی شهر عبارت‌اند از: وسعت، جمعیت، تنوع فعالیت‌های اقتصادی، طبقات

صنعت گردشگری به ویژه گردشگری شهری با بهره‌گیری از نمادها و المان‌های شهری به عنوان یکی از راهبردهای توسعه اقتصادی و فرهنگی شهرها و نقش مؤثری و بسزایی که در نمایش هویت و شخصیت شهر دارند اشاره شده و تأکید شده که توجه به المان‌ها و روش طراحی آنها بر اساس اصول پایداری می‌تواند ضمن بهبود کیفیت زندگی شهری نقش مهمی در افزایش جذابیت، زمان فعالیت و امنیت شهری برای گردشگران و توسعه گردشگری داشته باشد. نیما حیدر زاده (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان جایگاه قانونی شهرداری‌ها در مدیریت محیط‌زیست شهری به مسئله حفظ محیط‌زیست در جهان امروز و به لزوم توجه بیشتر به ابعاد این مسئله از دیدگاه مدیریت شهری تأکید می‌کند و شهرداری‌ها را به عنوان نهادهای اساسی تأثیرگذار در محقق ساختن اهداف حفاظت از محیط‌زیست شهری، معرفی می‌کند. از مهم‌ترین پژوهش‌ها می‌توان به پژوهش‌های آنتونی رمسار^۱ اشاره کرد که ده‌ها مقاله و کتاب در حوزه هنرهای عمومی تألیف کرده است. در کتاب «بازسازی شهری، چالشی برای هنر عمومی» که توسط رمسار و تعدادی از پژوهشگران^۲ نگارش شده و خود رمسار آن را تدوین کرده است (Remesar, 1999)، یک سلسله از طرح‌های پیشنهادی سازمان یافته مربوط به هنر و طراحی برای فضای عمومی و استراتژی مشارکت مطرح شده و به رابطه موضوعات هنر عمومی و شهری و بازسازی شهری و طراحی شهری پرداخته شده است. رمسار (Remesar, 2005) در نوشتاری به خروج هنر از گالری‌ها و ورود آن به حوزه عمومی پرداخته و در آن به تأثیر هنر در مکان و هر نقطه که در آن مردم زندگی، کار و یا اوقات فراغت خود را سپری می‌کنند، تأکید می‌کند. «سرگی والرا»^۳ (Valera, 2005) در «فضای عمومی و هویت اجتماعی» نشان می‌دهد احساس هویت اجتماعی از ساکنان و بعد زمانی، بعد رفتاری و بعد اجتماعی محله‌ها و از فضاهای نمادین شهری پدید می‌آید. کتاب «هنر بازسازی؛ نوسازی شهری از طریق فعالیت‌های فرهنگی» نوشته چارلز لندری^۴، لزی گرین^۵، فرانسوا ماتاراسو^۶ و فرانکو بیانکینی^۷ (Landry et al, 1996) بر اساس تجربه بیش از ۱۰ سال سیاست بازسازی شهری با استفاده از «هنر» نگارش شده و استدلال می‌کند که پروژه‌های فرهنگی نقشی مهم و فزاینده در بازسازی شهری بریتانیا از اواسط سال ۱۹۸۰ به این سو داشته است. از پژوهش‌هایی که به هنر و محیط‌زیست شهری مربوط می‌شود می‌توان به «هنر عمومی و تلفیق آن با فضای عمومی» نوشته سلمان مرادی (۱۳۸۶) اشاره کرد. وی ضمن تعریف فضای عمومی به بحث ارزیابی هنر در فضاهای شهری اشاره داشته و با شفاف‌سازی تعاریف و تبیین مرزها و تأثیرات هنر بر فضای

اجتماعی، پیچیدگی روابط و مناسبات و تنوع و تعدد نهادهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی (حسینی، ۱۳۹۰: ۴۹، ۵۰). فضاهای شهری جدا از بعد دیداری و فیزیکی دارای ابعاد انتزاعی و تنوع زیادی از ویژگی‌ها، تفاسیر، استعاره‌ها، تعهدات، وظایف، محدودیت‌ها، ممنوعیت‌ها، عواطف، خاطره‌ها، قراردادهای، تهدیدها، تأثیرات، کنش‌ها، انتظارات، آرمان‌های جمعی و ... است. به تبع آن فضای شهر نیز به عناصر و عوامل متعدد کالبدی، غیر کالبدی و فعالیت‌های انسانی تقسیم می‌شود (پاکزاد، ۱۳۸۵).

تعریف و توصیف استاندارد از شهر و پیدایش آن موجود نیست. یکی از مشکلات اساسی در حوزه مطالعات شهری نبودن اجماع واحد در تعاریف و مفاهیم است. اقتصاددانان، جغرافی‌دانان، دانشمندان علوم سیاسی، مورخان اقتصادی، جامعه‌شناسان و دیگران هر یک به نوبه خود دیدگاه‌های متفاوت و گاه متناقضی از مفهوم «شهر» ارائه می‌کنند. مفهوم شهری و پدیده شهرنشینی به ویژه در جوامع معاصر تا حدودی به جمعیت‌های انسانی و نسبت تراکم زندگی در جغرافیای مشخص مربوط می‌شود. نخستین دگرگونی بنیادی اجتماعی با شهرها در جهان، ۵۵۰۰ سال پیش در بین‌النهرین، دره نیل، دره سند و دره هوانگ با الگوهای زندگی شهری و نظام سازمانی تجاری، مذهبی و سیاسی پدید آمده‌اند. با آغاز تحولات صنعتی در قرن نوزدهم، مفاهیم شهری و الگوهای توسعه شهری به طور اساسی دگرگون شد و به طور چشمگیری شهرنشینی افزایش یافت. «جین جیکوبز»^{۱۲} نظریه پرداز شهری اعتقاد دارد که پیدایش شهر به پیش از تولد کشاورزی بازمی‌گردد (Jacobs, ۱۹۶۹): اما دیدگاه‌های متعارف بر این نظریه استوار است که اسکان و تراکم جمعیت انسانی و آغاز شهرنشینی در نتیجه کشاورزی و انقلاب نوسنگی بوده است (Bairoch, 1988): اما این «گوردون چایلد» بود که نخستین بار در سال ۱۹۵۰ مقاله‌ای با عنوان «انقلاب شهری» نوشت و ویژگی‌های یک شهر کهن را برشمرد (16-childe, 1950: 9). هر چند به زعم برخی از صاحب‌نظران، ایرادی بر طبقه‌بندی توصیفی وی وارد بود؛ اما بی‌تردید نظریه چایلد از نخستین تعاریف نظام‌مند در توصیف شهر است. همان‌گونه که در خصوص مباحث تاریخی و چگونگی پیدایش شهر و شهرنشینی نظرات متعددی از سوی صاحب‌نظران ارائه می‌شود، در توصیف مفهوم شهر نیز اجماعی وجود ندارد. جدا از چگالی جمعیت و اندازه یا وسعت شهر، در تعریف بین‌المللی، جغرافیای شهر با تراکم ساختمان‌ها و مردمی که در آن زندگی و کار می‌کنند شناسایی می‌شود (Dutta et al, 2010). برخی از صاحب‌نظران شهر را پدیده‌ای بشری در محیط‌زیست با ماهیتی عینی و کالبدی

می‌دانند، گروهی بر عوامل غیر کالبدی و عوامل انسانی تأکید می‌ورزند و گروهی دیگر تمامی آن ملاک‌ها را با هم می‌پذیرند (پاکزاد، ۱۳۸۵) (Kuper, 1996). از این روی می‌توان شهر را از دو ساحت فضای فیزیکی و فضای اجتماعی حاوی انواع اطلاعات عینی و ذهنی مورد تحلیل قرار داد (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰). به عبارتی شهر، مکانی ساخته دست بشر و محل تمرکز جمعیت در جغرافیایی است که با سه مؤلفه اصلی اجزای کالبدی، اجزای غیر کالبدی و حضور انسان شناسایی و توصیف می‌شود.

محیط‌زیست شهری

«محیط‌زیست» در تعاریف فرهنگ لغات انگلیسی «کالینز» چنین تعریف شده است: وضعیت، فضا یا محیط بیرونی که مردم در آن زندگی و کار می‌کنند (Collins, 2003). همچنین بر اساس فرهنگ لغت «وبستر»، محیط‌زیست مجموعه‌ای از شرایط اجتماعی و فرهنگی است که زندگی یک فرد یا جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Webster, 2010). فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، محیط‌زیست را «مجموعه‌ای از عوامل فیزیکی خارجی و موجودات زنده که با هم در کنش هستند و بر رشد و نمو و رفتار موجودات تأثیرگذارند» تعریف می‌کند. با توجه به تعاریف فوق و همچنین با توجه به مفهوم «محیط‌زیست»، می‌توان چنین گفت که واژه «محیط» به مکان و فضا و «زیست» به زندگی جانداران اشاره دارد. از این روی هنگامی که واژه «شهر» به «محیط‌زیست» افزوده می‌شود (محیط‌زیست شهری)، حضور «انسان» معنا پیدا می‌کند؛ بنابراین در تعریف ساده، محیط‌زیست شهری محیطی است با انبوهی از ساختمان‌ها، فضاها و محدوده‌ها که زندگی در آن جریان دارد؛ اما تعریف و دامنه مفهوم محیط‌زیست شهری که به کیفیت زندگی در شهر اشاره دارد با طیف گسترده‌ای از حوزه‌های متعدد و با توجه به مقیاس اثرات آن بر محیط‌زیست با جنبه‌های منفی و مثبت، تفسیر و طبقه‌بندی می‌شود و مسائلی نظیر میزان آلودگی‌های زیست‌محیطی، شرایط آب و هوا، جمعیت و «امکانات رفاهی شهری» شامل: بهداشت عمومی، جذابیت‌های شهری، زیبایی و ایجاد حس لذت، فضای سبز، تنوع و حس هویت، امکانات طبیعی، امکانات تاریخی ... را در برمی‌گیرد. در این بین «جذابیت‌های شهری» به طور فزاینده‌ای به عنوان یکی از عوامل مهم حفظ و تقویت کیفیت محیط‌زیست در عصر رقابت جهانی در حال بازشناسی است. مهم‌ترین مؤلفه‌های جذابیت‌های شهری، به ویژگی‌های محیط فیزیکی شهری و در دسترس همگان مربوط می‌شود که برخی از آنها عبارت‌اند از: امکانات مناسب فضاهای عمومی،

معاش، تولیدمثل، امنیت، محبت و غیره است. رفاه ذهنی مربوط به شادی، رضایت از زندگی، امکانات و رفاه ارزیابی شده است. رابطه بین نیازهای انسان و رضایت درک شده هر یک از افراد می‌تواند با توجه به ظرفیت روانی، زمینه‌های فرهنگی، اطلاعات، آموزش، خلق و خو و مانند آن متفاوت باشد. افزون بر این، رابطه بین تحقق نیازهای انسان و رفاه ذهنی به متغیرهای متعدد مانند شرایط زمانی، اجتماعی، جغرافیایی و فرهنگی و... بستگی دارد (Gregory et al, 2009).

در یک تقسیم‌بندی ساده، کیفیت زندگی با این سه مؤلفه ارتباط می‌یابد (همان):

- فرصت‌هایی برای پاسخگویی به نیازهای انسان در حال حاضر و در آینده: ساخت و ساز، سرمایه‌های انسانی، طبیعی، اجتماعی و زمان.
- نیازهای اساسی و اولیه بشر که عبارت‌اند از: معیشت، تولیدمثل، امنیت، محبت، درک، مشارکت، اوقات فراغت، معنویت، خلاقیت، هویت و آزادی.
- نیازهای حسی و عاطفی: خوب بودن ذهنی (شادی، سودمندی و رفاه) برای افراد و یا گروه.

شاخص‌های ارزیابی کیفیت زندگی

مفهوم کیفیت زیست، بدون شناخت شاخص‌های آن امری ناممکن است. همان‌گونه که اشاره شد اندازه‌گیری کیفیت زندگی بر دو مفهوم تمرکز یافته است: نخست مفهومی موسوم به رفاه ذهنی با تأکید بر تحقق شادی و لذت و مانند آن، دیگری شاخص‌های سنجش کیفیت زندگی مبتنی بر ارزیابی نیازهای اجتماعی، اقتصادی و سلامت انسان. بدین ترتیب مفهوم کیفیت زندگی بر جنبه‌های عینی و ذهنی استوار است که بنا به تحقق نیازهای انسان و رفاه ذهنی بشر در ارتباط با برداشت‌های شخصی و یا گروهی متفاوت است (Costanza, 2008; UNDP, 1998).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد در ارزیابی کیفیت محیط زیست شهری باید به سه شاخص اصلی توجه داشت:

- الف- نیازهای اساسی (زیستی و فیزیکی) شامل: محیط طبیعی، رفاه و بهداشت، ایمنی و امنیت.
- ب- نیازهای اجتماعی شامل: مسکن، اقتصاد و شغل، آموزش، محیط اجتماعی، تأسیسات و تجهیزات شهری، انرژی، حمل و نقل.
- ج- نیازهای فرهنگی شامل: هنر و میراث فرهنگی، محیط مصنوع (بحرینی و همکاران، ۱۳۷۷).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود یکی از سه شاخص اصلی، نیازهای فرهنگی با محوریت هنر در ابعاد مختلف آن است. به عبارتی یکی از شاخص‌های دوازده‌گانه که در مدل زیر

آثار خاص و باشکوه، آرایه‌های عرصه‌های عمومی به منظور ارتقاء محیط شهری و... (Shimomura et al, 2010).

آن‌گونه که پیش از این اشاره شد «شهر» فضایی ساخته‌شده توسط انسان‌هاست که در آن تعاملات گوناگون انجام می‌پذیرد و «محیط زیست شهری»، شرایط و وضعیت زندگی، رفتارها و کنش‌های فرد و جامعه در فضای فیزیکی ساخته‌شده است. با این توصیف، محیط زیست شهری در سه بعد قابل تحلیل است: محیط‌های طبیعی، محیط‌های انسان‌ساخت، محیط‌های تعاملی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. بر همین اساس «معیارهای ارزیابی کیفیت محیط زیست شهری» نیز از سوی صاحب‌نظران بیان شده است که می‌توان با توجه به آنها، نقش هنرهای عمومی را در کیفیت محیط زیست شهری مورد تحلیل قرار داد. به طور کلی معیار اصلی و مؤثر در کیفیت محیط زیست شهری که هر یک به شاخه‌های فرعی تقسیم می‌شوند عبارت‌اند از: خوانایی ساخت، شکل، دسترسی، راحتی و آسایش، حفاظت محیط، باز بودن فضاها، سرزندگی و حیات، تنوع، تجانس، شادی و نشاط، معنی، سلامتی و ایمنی، مرمت و نگهداری (بحرینی و همکاران، ۱۳۷۷).

کیفیت زندگی: چیستی کیفیت زندگی

«کیفیت زندگی»^{۱۳} (QOL) مفهومی کیفی، چندبعدی و پیچیده است که می‌تواند از دیدگاه‌های مختلف ارزیابی، تحلیل و اندازه‌گیری شود. (Ulengin, 2001: 342; Allen et al, 2002: 14). در یک بیان، کیفیت زندگی تعامل نیازهای انسان و ادراک ذهنی از تحقق آنها، به واسطه فرصت‌های موجود برای پاسخگویی به نیازهاست (Costanza, 2008) و در نگرش کلی «کیفیت زندگی» به مفهوم کامیابی یا رضایت‌مندی مردم (لطفی، ۱۳۸۸: ۶۶)، «خوب زیستن»، «خوب بودن» یا داشتن «رفاه» در زندگی است که نسبت به شرایط اجتماعی و اقلیمی هر فرد و اجتماعی متفاوت است (Mc Crea et al, 2004: 2-3). هر چند در سنجش کیفیت، بر روی شاخص‌های «درآمد»، «ثروت‌های مادی» و «اشتغال» تأکید می‌شود، اما نباید فراموش کرد که در بسیاری موارد، کیفیت زندگی و «رفاه» افراد و جوامع با شاخص‌های استاندارد سلامت جسمی و روانی، آموزش، تفریح، اوقات فراغت، تعلقات اجتماعی و دیگر مؤلفه‌های تأثیرگذار در زندگی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (Gregory et al, 2009).

شاخص‌های بهبود کیفیت زندگی

کیفیت زندگی برداشت‌های شخصی و یا گروهی از رفاه یا «سلامت ذهنی»^{۱۴} (SWB) با توجه به محدوده نیازهای ملموس انسان‌هاست. نیازهای اساسی بشر شامل امرار

نشان داده شده مستقیماً به شاخص هنر و میراث فرهنگی ارتباط دارد و دیگر شاخص مرتبط با نیازهای فرهنگی، محیط مصنوع، معماری و دیگر مؤلفه‌های کالبدی است که به انحاء مختلف با هنر و فرهنگ در ارتباط است.

با توجه به مدل بالا نیازهای فرهنگی یا به عبارتی ارزش‌های فرهنگی شهرها مانند بناها، مکان‌های تاریخی و آثار هنری که در اصل سرمایه‌های معنوی جامعه به شمار می‌آیند، (رضوانی، ۱۳۸۸) می‌توانند کیفیت‌های زندگی شهری را بهبود بخشند. همچنین برنامه‌ها و آثار هنری در سطوح اجتماعی و حضور فعال هنرمندان در جهت خلق آثار هنری در ارتقاء سطح سلیقه زیباشناسی شهروندان تأثیر چشمگیری دارد و موجب بهبود سطح فرهنگی و اخلاقی جامعه و کیفیت زندگی شهری می‌شود (تومه؛ ۱۳۷۵).

هنرهای شهری

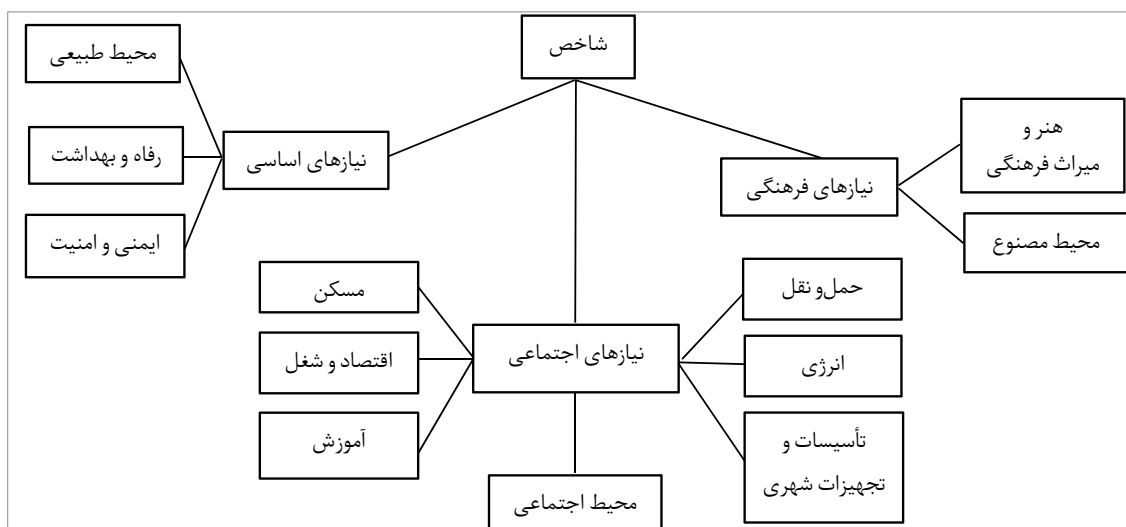
تعریف

به رغم بازتعریف‌های مختلف و گسترده، «هنرهای شهری» شامل آثار خصوصی و دولتی با شکل و بیان متنوع می‌شود و مفهوم بسیار گسترده‌ای دارد که تقریباً تمامی هنرهای در شهر را در برمی‌گیرد. راهبردهای هنرهای شهری، اشتراک گذاشتن تجارب، احیای حافظه جمعی و مشارکت طیف وسیعی از مردم در حوزه عمومی و هنرمندان در تحولات مدنی مانند جشن‌ها، جشنواره‌ها و برنامه‌های هنری در راستای توسعه فرهنگی و بهبود و بالا بردن کیفیت زندگی و نشاط شهروندان از راه کنش‌ها و فعالیت‌های هنری در فضاهای شهری است (Urban Art Strategy, 2002). هنرهای شهری فرایند خلاقانه، پیچیده و کنشی دوسویه است که هدف اصلی هنرمند [دولت‌ها]، مردم

شهر است (Remesar, 2005). به عبارت دیگر، هنرهای شهری برای ایجاد اشتیاق و تعاملات زندگی شهری انجام می‌شود و مشارکت در زندگی مدنی و آگاهی از ماهیت معانی فرهنگی به طور فزاینده‌ای مهم است (Chase, 1993). هنرهای شهری می‌تواند منجر به گفت‌وگو، بحث و گفت‌وگوی مدنی خلاق، مشارکتی، انتقادی و فرایند تحلیلی شود (Doss, 2006). همچنین آفرینش و توسعه هنرهای شهری در فضاهای عمومی، افزون بر تلطیف و زیباسازی شهر، به فضاهای شهری «احساس» و «معنا» و «هویت» می‌بخشد. همچنین این گونه هنرها موجب نفوذ جریان سیال خلاقیت در کالبد شهرها می‌شود و توسعه ارتباطات و تعاملات اجتماعی را در پی دارد. نکته با اهمیت دیگر آنکه هنرهایی که در شهر پدید می‌آیند کیفیت محیط را تحت تأثیر قرار می‌دهند و در ارتقای کیفیت زندگی شهری نقش مهمی دارند. (مرتضایی و همکاران، ۱۳۹۲)

اهداف هنرهای شهری

آن‌گونه که اشاره شد یکی از شاخص‌هایی که در ارزیابی کیفیت زندگی در نظر گرفته می‌شود مربوط به فعالیت‌ها و رویدادهای فرهنگی و هنر در مقیاس شهری است. هنرهای شهری زیرساخت‌های مدنی و هویت‌ها و سایت‌های شهر را توسعه می‌بخشند. با استفاده از طیف متنوعی از اشکال هنر و برنامه‌های کاربردی هنری می‌توان به فضای عمومی شهر نشاط و سرزندگی بخشید. استراتژی‌های هنرهای شهری ایجاد «معنا» در متن اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی و ایجاد ارتباط و اضافه کردن روایت و محتوا به مکان است که می‌تواند در جهت ترویج باورها، سنت‌ها و آرمان‌های مردم و در راستای بهبود شیوه و کیفیت زندگی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. (خدادادی، ۱۳۹۲)



نمودار ۱. طبقه‌بندی شاخص‌های دوازده‌گانه در گروه‌های سه‌گانه شاخص‌ها (بحرینی و همکاران، ۱۳۷۷: ۵۴)

گونه‌های هنرهای شهری

از نظر «رمسار» برخی از مداخلات هنری در شهر شامل گونه‌های زیر است: (Remesar, 2005: 131)

- هنر در معماری^{۱۵}
- احجام و مجسمه‌ها در فضاهای باز^{۱۶}
- هنر محیطی^{۱۷}
- مجسمه‌های معاصر عمومی^{۱۸}
- هنر یادمانی^{۱۹}
- سایت هنرهای خاص^{۲۰}
- هنر پلاپ^{۲۱}
- هنر چندرسانه‌ای^{۲۲}
- هنر ارتباطات^{۲۳}
- هنر زمینی^{۲۴}
- هنر میراثی^{۲۵}
- هنر سیاسی^{۲۶}
- هنر عمومی انتقادی^{۲۷}
- هنر ضد یادمان^{۲۸}
- هنر چشم‌انداز^{۲۹}
- منظر شهری^{۳۰}
- هنر عملکردی (اجرایی)^{۳۱}
- فضاهای عمومی^{۳۲}
- هنر مدنی^{۳۳}
- هنر زینتی^{۳۴}
- هنر بنای یادبود^{۳۵}
- طراحی برای فضای عمومی^{۳۶}
- معماری^{۳۷}
- هنر دیوار نگاری^{۳۷}
- هنر در خدمت منافع مردم^{۳۹}
- ژانر جدید هنر عمومی^{۴۰}
- ... و

به طور خلاصه استراتژی هنرهای شهری، فعالیت‌های هنری زیر را در برمی‌گیرد (Urban Art Strategy, 2002):

- هنرهای تجسمی مانند دیوار نگاره، مجسمه، بناهای یادبود و مونومان و ...
- هنرهای چندرسانه‌ای مانند هنر ویدیو و سایبرنتیک
- هنرهای طراحی منظر مانند طراحی چشم‌انداز، هنر محیطی، هنر زمین و ...
- هنرهای مربوط به مبلمان شهری و طراحی کاربردی شهری
- هنرهای صوتی و نمایشی مانند موسیقی، تئاتر، سینما و ...
- هنرهای بی دوام یا نامانا در حوزه‌های مختلف
- اما با توجه به گونه‌های یادشده، هنرهای شهری بر اساس

مشارکت مردم، هنرمندان و طراحان می‌تواند در چند گروه مطرح شود:

- (خدادادی، ۱۳۹۴: 3)؛ (Abasgolizade, 2011; Selwood, 1995)
- «هنرهای خیابانی»^{۴۱} که معمولاً به واسطه خرده فرهنگ‌ها با اهداف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و اعتقادی و در مواردی به دلیل شور و شوق هنری پدید می‌آیند، مانند گرافیتی.
- «هنرهای مردمی» که در فضاهای عمومی (بدون دخالت دولت‌ها و مدیریت شهری) توسط صحنه‌گردانان و دوره‌گردان اجرا می‌شوند و به طور معمول با هدف درآمدزایی همراه است؛ شامل: نوازندگی، خوانندگی، رقص، شعبده‌بازی، معرکه‌گیری و زورگری (به اصطلاح عامیانه نمایش‌های پهلوانی) و ...
- هنرها و جشن‌های عمومی با اهداف آیینی، سنتی، مذهبی، فرهنگی، تفریحی و ... مانند جشنواره‌ها و کارناوال‌های عمومی و ملی و ...
- هنرهای تخصصی در عرصه‌های عمومی و در مالکیت عمومی؛ هنرمند محور که توسط هنرمندان، طراحان و معماران برای تولید یک اثر هنری یا پروژه شهری ماندگار پدید می‌آیند که به لحاظ تاریخی، هنر در مالکیت عمومی که به طور سنتی به عنوان «هنر عرصه‌های عمومی» (هنر عمومی / هنر همگانی)^{۴۲} شهرت دارد، مربوط به آثار معماری، مجسمه، دیوار نگاره‌ها و دیگر اشکال هنری است که در فضاهای شهری در دسترس مردم قرار دارد.
- هنرهای رسانه‌ای و شنیداری تخصصی که توسط هنرمندان و افراد حرفه‌ای متخصص پدید می‌آیند یا اجرا می‌شوند؛ شامل: موسیقی، سینما، هنر ویدئو، نمایش، سیرک و ...

نقش هنرهای شهری در کیفیت زندگی

کیفیت زندگی، تعامل نیازهای انسان و ادراکات ذهنی از تحقق فرصت‌ها برای پاسخگویی به نیازها، شامل موارد زیر است (Costanza, 2008: 18):

- تحقق فرصت‌هایی برای رفع نیازهای بشر در حال حاضر و در آینده؛
- تحقق نیازهای بشر شامل: معیشتی، تولیدمثل، امنیت، محبت، درک، مشارکت، اوقات فراغت، معنویت، خلاقیت، هویت و آزادی؛
- تحقق سلامت ذهنی مانند شادی، لذت و رفاه ذهنی فردی یا گروهی.
- بنابراین می‌توان هنرهای شهری را پدیده‌ای برای پاسخگویی

به برخی از نیازهای زیباشناختی، فرهنگی، ارزشی و هنری جوامع شهری دانست که می‌تواند کیفیت زندگی شهری را در ابعاد مختلف بهبود بخشد (خدادادی، ۱۳۹۲: ۲۴۸). از این جهت هنرهای شهری این فرصت را برای مردم ایجاد می‌کنند که تجارب و احساس تعلق خود را در شهری که در آن زندگی می‌کنند به اشتراک بگذارند و تصویر مدنی شهر خود را ترسیم نمایند. افزون بر این، هنرهای شهری ریشه‌های تاریخی شهر، میراث فرهنگی و سنت‌ها را تقویت نموده و پیوند معنوی بین میراث فرهنگی گذشته و فرهنگ زندگی معاصر را برقرار می‌کنند. استفاده از تصاویر و نمادهای محلی متمایز در راستای باز زنده سازی هویت‌های بومی و در قدرت، بیان خاطره‌های جمعی با آثار هنری از اهمیت زیادی برخوردار بوده و در حس مالکیت مکان مؤثر است. هنرهایی که در جشن‌ها، جشنواره‌ها و رویدادها به کار گرفته می‌شوند تجاربی مشارکتی هستند که موجب شاد بودن مردم، ایجاد حس رفاه و درک چالش‌ها و پرهیز از تعصبات در جامعه می‌شوند. در یک جمع‌بندی می‌توان چنین بیان کرد که هنرهای شهری قادرند در افزایش هویت فرهنگی شهرها، توسعه مناظر شهری، حوزه‌ها، پارک‌ها، باغ‌ها و دیگر فضاهای باز، ایجاد امکانات فرهنگی، تقویت و بهبود زیرساخت‌ها، به رسمیت شناختن نقش هنرمند در جوامع، تحریک و به چالش کشیدن مسائل روز جامعه و... نقش مهمی ایفا کنند. (UbanArt Strategy, 2002: 4)

بهبود کیفیت زندگی شهر با استفاده از هنرهای شهری

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد کیفیت زندگی تعامل نیازهای انسان و ادراکات ذهنی از تحقق فرصت‌ها برای پاسخگویی به نیازهاست که بخش مهمی از آن به شادی، لذت و رفاه ذهنی فردی و گروهی ارتباط می‌یابد (Costanza, 2008). از مهم‌ترین مفاهیمی که کیفیت زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد آزادی، حقوق بشر و به ویژه شادی و احساس رضایت از زندگی است (Layard, 2006) که گاه از این مفاهیم حتی با عنوان خوشبختی ناخالص ملی (GNH) یاد می‌شود (Diener, ۲۳).

نتیجه‌گیری

هنرهایی که در شهر پدید می‌آیند ابزار مهمی در ترمیم خاطرات ناگوار و تخلیه روانی اجتماعی و روش مناسبی در بازسازی مثبت خاطرات جمعی (Berberian, 2003) و بالا بردن روحیه و بینش اجتماعی (Grassau, 2009) و تغییر و تحریک فعالیت و ارتباطات اجتماعی، ایجاد احساس ارزش و رفاه ذهنی هستند (Matthewson, 2012). تنوع طلبی و درک زیبایی از نیازهای اولیه انسان امروزی به ویژه در شهرهای بزرگ است. هنرهای شهری این فرصت را فراهم می‌سازد که مردم شهر در فعالیت‌های روزانه، زیبایی را تجربه کرده و احساس شور و شوق آنها برانگیخته شود (خدادادی، ۱۳۹۲: ۲۴۸). این نیازهای روانی انسان - محیطی که مربوط به ادراک فضایی، احساس تعلق و احساس زیبایی (احساس لذت و هماهنگی عاطفی با محیط) است (مهدی زاده، ۱۳۸۵: ۹)، نه تنها بر عهده طراحی شهری است، بلکه به مدد انواع هنرهای شهری محقق می‌شود که در نهایت رفاه ذهنی، احساس لذت و سلامت روان را برای مردم شهر به ارمغان خواهد آورد؛ بنابراین در اینکه آثار هنری در ایجاد احساس لذت و روابط مثبت در جامعه نقش مؤثری دارند نباید تردید نمود. (260-Bianchi, 2008: 236)

برخی از بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد شکل و محتوای آثار هنری فراتر از حد انتظار می‌تواند عواطف را برانگیزد و محرکی مثبت در جهت توانمندسازی جسمانی و نفسانی شود (Gunaratnam, 2007; Secker, 2007) و حتی موجب پیشگیری از زوال عقل (دمانس) شود. آن چنان که از پژوهش‌های سازمان دیده‌بان برمی‌آید هنر و روش هنر درمانی در درمان ناراحتی‌ها و اختلالات روانی افراد بسیار سودمند است (Holtum, 2013). همچنین هنر در مبارزه با نابرابری‌های سلامت اجتماعی و روانی و ترویج سلامت و بهداشت روان اجتماعی نیز نتایج قابل تأملی را بازتاب می‌دهد (Stickley et al, 2007). از دیگر سو مشارکت مردم در تولید آثار هنری، قدرت تخیل و خلاقیت فردی و گروهی را افزایش داده و موجب تقویت روحیه و روان افراد و سلامت اجتماعی محیط‌زیست می‌شود (Kirmann, 2010; Abbotts, 2013).

کیفیت زندگی مفهومی است کیفی و چندبعدی که با میزان «خوب زیستن»، «خوب بودن» و تحقق نیازهای انسان و کامیابی یا رضایت‌مندی مردم اندازه‌گیری می‌شود. جدا از نیازهای اساسی انسان‌ها شامل «درآمد»، «ثروت‌های مادی» و «اشتغال»، نیازهای حسی و عاطفی، احساس رضایت ذهنی و شادی از مهم‌ترین شاخص‌های کیفیت زندگی هستند. این نیازها با هنر و فرهنگ، تنوع و زیبایی محیط شهری تحقق می‌یابند. بخش قابل توجه شادی و رضایت‌مندی از زندگی به رابطه و تعاملات انسان‌ها با یکدیگر و مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و هنری و رضایت درک شده از محیط‌زیست شهری ارتباط دارد که بی‌تردید منجر به سلامت روحی، روانی و رفاه ذهنی افراد

می‌شود. مطالعات بیانگر آن است که جوامعی که بهبود کیفیت زندگی را در نظر دارند تا جای ممکن می‌بایست از مداخلات هنری در شهر بهره‌برداری کنند. هنرهای شهری با گونه‌ها و کاربردهای متعدد و متنوع ضمن اینکه نقش مهمی در بازسازی و ترمیم زیرساخت‌های فرهنگی دارند و می‌توانند به زیبایی و جذابیت‌های شهری بیفزایند، از عوامل مهم حفظ و تقویت کیفیت محیط‌زیست به شمار می‌آیند. در یک جمع‌بندی و با توجه به موارد یادشده، می‌توان نقش هنرهای شهری را در بهبود کیفیت زندگی چنین برشمرد:

در باز زنده‌سازی هویت‌های ملی، دینی و زیرساخت‌های مدنی و در توسعه سایت‌های شهر نقش مهمی ایفا می‌کنند.

ابزاری کارآمد در زیباسازی و تلطیف فضاهای شهری هستند.

موجب نشاط و سرزندگی شهروندان می‌شوند.

به مکان معنا و هویت می‌بخشند.

در انتقال تجربیات و در ایجاد ارتباط و تعامل افراد جامعه نقش داشته و موجب بالا بردن روحیه همکاری و

همدلی در مردم شهر می‌شوند.

نقش مهمی در ترویج باورها، سنت‌ها و آرمان‌ها دارند.

در ارتقاء سطح سلیقه عمومی و بروز خلاقیت‌ها نقش دارند.

پی‌نوشت

1. Antomi Remesar
۲. سرگی والرا Sergi Valera، ری اسمیت Ray Smith، مارتین پرن Martin Peran، یان راولینسون Ian Rawlinson، چاک متیسون J. Gingell، انریک پل Enric Pol، جی هایات J. Hyatt، جی جینگل J. Gingell، Chaké Matosian
3. Sergi Valera
4. Charles Landry
5. Lesley Greene
6. François Matarasso
7. Franco Bianchini
8. Non-experimental
9. Qualitative
10. Non-Field (lab) Research
11. Library Research
12. Jane Jacobs
13. Quality of Life
14. Subjective Well-Being
15. Art-in-Architecture
16. Sculpture in the OpenAir
17. EnvironmentalArt
18. Contemporary Public Sculpture
19. MonumentalArt
20. Site-Specific Art
۲۱. Plop Art اصطلاح تحقیرآمیز در زبان عامیانه در مقابل پاپ آرت (Pop Art) برای گونه‌ای از هنر عمومی معمولاً بزرگ، انتزاعی، مدرن و یا مجسمه‌سازی معاصر ساخته‌شده به سفارش دولت و یا شرکت‌های بزرگ که معمولاً در مقابل ساختمان‌های اداری، آسمان‌خراش‌ها، پارک‌ها و دیگر مکان‌های عمومی است
22. Multimedia Art
23. Communication Art
24. Earth Art

25. Heritage Art
26. Political Art
27. Critic Public Art
28. Anti-Monumental Art
29. Landscape Art
30. Townscape Art
31. Performance Art
32. Public Space
33. Civic Art
34. Ornamental Art
35. Memorial Art
36. Design for Public Space
37. Architecture
38. Mural Art
39. Art in Public Interest
40. New Genre of Public Art
41. Street Art
42. Public Art

۴۳. خوشبختی ناخالص ملی (Gross National Happiness) به مفهوم اهمیت دادن به جنبه‌های غیراقتصادی رفاه در هر جامعه‌ای است که معمولاً با استفاده از چهار شاخص توسعه پایدار، حفظ فرهنگ، حفظ محیط‌زیست و دولت خوب به زبان اعداد و ارقام تعریف می‌شود.

منابع و مأخذ

- بحرینی، سید حسین و طیبیان، منوچهر. (۱۳۷۷). مدل ارزیابی کیفیت محیط‌زیست شهری. **جغرافیا، محیط شناسی**. (۲۱ و ۲۲)، ۴۱-۵۶.
- بهنام، یزدان؛ حیدری، عباس و صالحی، محمد. (۱۳۹۲). نقش المان‌های شهری پایدار در توسعه گردشگری شهری نگارش مقاله‌های همایش‌های ایران. **اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار**. انجمن محیط‌زیست کومش.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۵). سیمای شهر، آنچه کوبین لینچ از آن می‌فهمید. **فصلنامه شهرسازی و معماری آبادی**. (۵۳)، ۲۰-۲۵.
- تومه، ژرژ. (۱۳۷۵). توسعه فرهنگی و محیط‌زیست. **نامه پژوهش فرهنگی**. ترجمه محمود شارع پور، اطلاع‌رسانی و کتابداری. (پیش‌شماره ۱)، ۱۶۱-۲۰۴.
- حبیب، فرح. (۱۳۸۹). سیر تحول زیباسازی منظر شهر. **ماهنامه فنی - تخصصی دانش نما ویژه‌نامه سیما و منظر شهری**. سال نوزدهم (۱۸۰-۱۷۹)، ۵۲-۶۹.
- حسینی، سید علی. (۱۳۹۰). **اصول و مبانی برنامه‌ریزی شهری و روستایی**. چاپ اول، رشت: دریای دانش، ۱۹-۱۶.
- حیدر زاده، نیما. (۱۳۸۲). **جایگاه قانونی شهرداری‌ها در مدیریت محیط‌زیست شهری**. مدیریت شهری. (۱۳)، ۶۴-۷۷.
- خدادادی، رضا. (۱۳۹۲). **دیوار نگاری‌های شهر تهران: بایدها و نبایدها**. معاونت توسعه و برنامه‌ریزی، سازمان زیباسازی تهران. (طرح تحقیقاتی).
- خدادادی، رضا. (۱۳۹۴). **گرایش‌های معاصر در هنرهای شهری تهران سازمان زیباسازی شهر تهران و پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی**، ۱۹ آبان ۱۳۹۴ (متن سخنرانی)
- غزائیان، مهین. (۱۳۹۲). **ندوین راهنمای طراحی شهری مبتنی بر نقش هنرهای تجسمی در ارتقای کیفیت ادراکی مردم از فضاهای شهری (نمونه مطالعاتی: پیاده‌راه صوراسرافیل)**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.

- لطفی، صدیقه. (۱۳۸۸). مفهوم کیفیت زندگی شهری: تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه‌ریزی شهری. **فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی**. سال اول (۴)، ۸۰-۶۵.
- مرادی، سلمان. (۱۳۸۶). هنر عمومی و تلفیق آن با فضای عمومی. **باغ نظر**. سال هشتم (۴)، ۹۰-۸۱.
- مرتضایی، سید رضا و اصل فلاح، مهدی. (۱۳۹۲). **بنیان‌های طراحی در زیباسازی شهری**. سازمان زیباسازی شهر تهران: هنر و معماری قرن.
- مهدی زاده، جواد. (۱۳۸۵). **زیباشناسی در طراحی شهرهای جستارهای شهرسازی**. (۱۸-۱۷)، ۲۷-۸.
- ودادی مقدم، نیوشا. (۱۳۹۰). **هنرهای همگانی و نقش آن در سرزندگی فضاهای شهری**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- Abasgolizade, H. (2011). **Study of the effect of public art with emphasis on environmental sculpture in increasing urban space quality: The sampled case**. 5th Symposium on advances in science & technology. Mashhad. May 12-17, 1-10: <http://khi.ac.ir/>
- Abbotts, J. & Spence, W. (2013). Art and wellbeing in a deprived Scottish community. **Journal of Public Mental Health**, 12(2), 58-69.
- Allen, J.; Voget, R. & Cordes, S. (2002). **Quality of life in rural Nebraska: Trends and changes**. Institute of Agriculture and Natural Resources. 1-30. <http://digitalcommons.unl.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1004&context=caripubs>
- Berberian, M. (2003). Communal rebuilding after destruction: The World Trade Center children's mural project. **Psychoanalytic Social Work**, 10(1), 27-41.
- Bianchi, M. (2008). Time and preferences in cultural consumption in Hutter. In: M. and D. Throsby (eds.), **Value and valuation in art and culture**, Cambridge: Cambridge University Press.
- Costanza R. (2008). An integrative approach to quality of life measurement, research, and policy. **S.A.P.I.E.N.S**, 1, 16-21.
- Diener, E. & Lucas, R. (1999). Personality and subjective well-being. In: Kahneman, D.; Diener, E.; Schwarz, N. & Russell. **Well-Being: The foundations of hedonic psychology**, New York: Sage Foundation, 213-229.
- Doss, E. (2006). **Public art controversy: Cultural expression and civic debate, Monograph, Americans for the Arts**. United States, 294-318.
- Grassau, P. (2009). Resilience and turning it out: How the arts engage with relational and structural aspects of oppression. **Canadian Social Work Review**, 26(2), 249-265.
- Gregory, D.; Johnston, R.; Pratt, G.; Watts, M. & Whatmore, S. (2009). Quality of life. **Dictionary of Human Geography**. (fifth edition). Oxford: Wiley-Blackwell.
- Gunaratnam, Y. (2007). Where is the love? Art, aesthetics and research. **Journal of Social Work Practice**, 21(3), 271-287.
- Henry, J. (2000). **The Mexican muralist movement and an exploration of public art**. El Alma de la Raza Series Denver Public Schools.
- Holttum, S. (2013). Research watch: art therapy: a dose of treatment, an aid to social inclusion or an unnecessary indulgence? **Mental Health and Social Inclusion**, 17(2), 64-69.
- Kirrmann, K. (2010). CoolTan Arts: Enhancing well-being through the power of creativity. **Mental Health and Social Inclusion**, 14(2), 12-16.

- Landry, C.; Lesley, G.; François, M. & Franco, B. (1996). **The art of regeneration: Urban renewal through cultural activity**. London: Da Costa.
- Layard, R. (2006). **Happiness: Lessons from a New Science**. London: Penguin
- Lynch, K. (1981). **Theory of good city**. MIT Press.
- Rod, C.; Shyy, T. & Stimson, R. (2004). Modelling urban quality of life in South East Queensland by linking subjective and objective indicators. 28th Australian and New Zealand regional Science Association International annual Conference, Wollongong, NSW, 28th September to 1 October.
- Paddison, R. (2001). **Handbook of urban studies**. London: SAGE Publications
- Radisic, S. (2010). **Public art policies-A comparative**. 6th International Conference on Cultural Policy Research, Jyväskylä, Finland. 107-127.
- Remesar, A. (2005). **Urban regeneration: A challenge for public art**. Universidad de Barcelona, Monografies Psico-Socio-Ambientals Títols Publicats.
- Secker, J. et al. (2007). Empowerment and arts participation for people with mental health needs. **Journal of Public Mental Health**. 6(4), 14-23.
- Selwood, S. (1995). **The benefits of public arts: The polemics of permanent art in public places**. Policy Studies Institute.
- Tetsuya, S. & Matsumoto, T. (2010). Policies to enhance the physical urban environment for competitiveness: A new partnership between public and private sectors. OECD Regional Development Working Papers, 2010/1, OECD Publishing, OECD.
- Stickley, T. & Duncan, K. (2007). Art in Mind: Implementation of a community arts initiative to promote mental health. **Journal of Public Mental Health**, 6(4), 24–32.
- Januchta Szostak, A. (2010). The role of public visual art in urban space recognition. In: Karl Perusich (ed), **Cognitive Maps**.
- Ulengin B.; Ulengin F. & Guvenc, U. (2001). A multidimensional approach to urban quality of life: The case of Istanbul. **European Journal of Operational Research**, 361-374.
- UNDP. (1998). **Human development report**. New York: Oxford University Press
- Urban Art Strategy. (2002). **Urban Art information kit; Urban iconography study; Heritage Recognition Strategy**. Prepared for the Department of Urban Design and Architecture by Torque Propriety Limited.
- Valera, S. (2005). **Public space and social identity: A challenge for public art**.
- URL: <http://dx.doi.org/10.1787/5kmmnd1rst7c-en>
- URL: <http://www.intechopen.com/books/cognitive-maps/the-role-of-public-visual-art-in-urban-space-recognition>.
- <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/131925>

Received: 2016/11/13/

Accepted: 2017/05/14



The Role of Urban Arts in Improving the Quality of Urban Environment

Farhang Mozaffar* Mehdi Hosseini** Reza Khodadadi***

Abstract

In recent decades, urban arts and artistic interferences with various forms, expressions and vast meanings are considered in urban societies. The existent studies and experiences show that, besides basic and primary needs of human beings, satisfying the spiritual, psychological and emotional needs of people for promoting and improving the quality of urban environment is an obvious and undeniable issue. Regarding the importance and influential role of urban arts on people's happiness and satisfaction and its impact on the mental and psychological health of the society, this paper aims at explaining the role of urban arts in improving the quality of urban life and, using descriptive-analytical method, it tries to answer the following questions: what is the relationship between the improvement of urban life's quality and artistic interventions, and how can urban arts be effective in improving the quality of life? Thus, while pointing briefly to the definitions of city, urban environment and indicators of improvement of life's quality, the goals and types of urban arts and their role in improving the quality of life are discussed. This research is a fundamental and qualitative research based on documented data. Finally, it is argued that the urban arts can affect cultural policies and improve the quality of urban life via identity-making, beautification, refining urban spaces, happiness, liveliness etc.

Keywords: urban arts, quality of life, urban environment, beautification, cultural identity

* Associate Professor, Faculty of Architecture, Iran University of Science & Technology, Tehran.

** Professor, Faculty of Visual Arts, University of Art, Tehran.

*** Assistant Professor, Faculty of Visual Arts, University of Art, Tehran.